

مرکز آموزش مجتمع فنی مازندران

دوره آموزشی:

نقش حجاب در حفظ حریم خانواده

مجری:

مرکز آموزش مجتمع فنی مازندران

نشانی: بابل - حدفاصل بین کارگر و کشوری - انتهای سرداران ۱۰ - تلفن: ۳۲۲۵۱۸۰۰-۱

ساری - خیابان معلم - معلم ۲۹ - جنب ساختمان مدیریت و برنامه ریزی - تلفن: ۳۳۲۵۳۳۱۶-۱۷

E-mail: mfmababol@yahoo.com

website: www.mfmababol.com

فلسفه حجاب

حجاب به معنا پوشش بیرونی و عفاف به معنا پوشش درونی، این دو عامل باعث سلامت جامعه است و در صورت نبود این دو موجب به وجود آمدن مشکلات و اثرات مخرب زیادی در جامعه خواهد شد. حجاب به عنوان یک خواسته فطری است که محدود به اسلام نیست. خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش، عالم خبیر است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی انسان ها به خصوص زن را در عفاف و حجاب دانسته است، آیات نورانی قرآن کریم ضرورت این حکم الهی را به نحو مطلوب تبیین کرده است، مسأله حجاب که یک دستور دینی است از مسائل مهم جامعه ماست و با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. این مسأله از آن جهت که خطابش با زنان است، به نیمی از جمعیت جامعه مربوط است و از آن جهت که در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد، به همه افراد جامعه مربوط می شود رعایت حجاب نه تنها برای خود زن ارزش آفرین است، بلکه باعث حفظ ارزش های انسانی، جامعه، مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب، کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی، آرامش و پایداری نهاد مقدس خانواده و استیفای نیروی کار در سطح جامعه... است. از آن جا که این موضوع نقش بارزی در کاهش آسیب اجتماعی دارد سعی شده با رویکرد به جایگاه نهاد خانواده نقش آن در پایداری اجتماع ارائه گردد.

مقدمه

مقوله بی حجابی امروز به یک معضل کاملاً مشهود در جامعه درآمده است معضلی که فقط برای افراد بی حجاب مشکل ایجاد نمی کند؛ در واقع آسیب هایی که از بی حجابی ناشی می شود، تمام اعضای جامعه در بر می گیرد. حجاب و عفاف که یک دستور دینی است از مسائل مهم و کلیدی جامعه ماست و با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. این مسأله از آن جهت که خطابش با زنان است، به نیمی از جمعیت جامعه مربوط است و از آن جهت که در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد، به همه افراد جامعه مربوط می شود این حکم از آثار، برکات و نقش آفرینی های خاصی برخوردار است و اگر حقیقت این حکم برای انسان ها روشن و آشکار گردد بعید است که فطرت های سالم و خداخواه تسلیم آن نشوند و آن را اطاعت ننمایند. بر همین اساس حجاب و پوشش اسلامی که یکی از اوامر انسان ساز الهی و یکی از احکام حیات بخش اسلام در زندگی طیبه است و منطبق بر فطرت بشر و مبتنی بر نیازها و شرایط روانی او و زمینه ساز پویائی و کمال انسانی فرد و جامعه است. رعایت حجاب نه تنها برای خود زن ارزش می آفریند، بلکه می تواند خانواده، اجتماع و... را نیز تحت تاثیر قرار دهد. همان طور که رعایت آن به عنوان یک امر ضروری می تواند مفید باشد، عدم رعایت آن نیز پیامدهایی منفی را به همراه دارد. فواید و اثرات رعایت حجاب و پیامدهای آن پاسخی مناسب به این سوال است که چرا حجاب برای زنان ضروری است؟ نقش آن در کاهش آسیب اجتماعی و استحکام نهاد خانواده چیست؟

آنچه می تواند جامعه ای را از این آسیب های شوم مصون داشته و حفظ کند، ترویج فرهنگ دقیق عفاف و تبیین ابعاد مختلف آن در جامعه است. این نوشتار به همین منظور انتخاب و تنظیم یافته است. از ارتباط نزدیک حجاب و عفاف، با کاهش آسیب اجتماعی می توان بهره برد. با رعایت حجاب و عفاف از فروپاشی خانواده ها جلوگیری می شود.

شناخت تاثیر حجاب و نقش آن در کاهش آسیب اجتماعی می تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و تعامل هموار سازد، به طوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه راه حل هایی به سلامت جامعه کمک نماید.

ضرورت طرح حجاب از جانب مکتب اسلام

طرح حجاب از طرف مکتب مترقی اسلام، بیانگر آن است که حضور زن را پذیرفته و برای سلامت حضور، حجاب را مطرح می نماید پس مغز حجاب، حضور مثبت و سازنده زن است و آنقدر این حضور شایسته نزد خدای متعال پسندیده است که فریضه بی بدلیل نماز را برای زنان، با لباس حضور اجتماعی قرین و همراه خواسته است. در چند سوره از قرآن کریم مسئله حجاب تصریح شده است که نشان از اهمیت موضوع دارد. در آیاتی از سوره نور، احزاب و انفال به حجاب و عفت زنان اشاره شده است. لفظ حجاب در آیه ۵۴ سوره احزاب آورده شده است. "حجاب مخصوص که در قرآن کریم برای زنان است: یکی خمر (مفرد آن خمار = به کسر "خ" و فتح "م" به معنای روسری است) در آیه ۳۱ سوره نور است و دیگر جلابیب (مفرد آن جلاباب = لباس بلند زنانه) است که در آیه ۵۹ سوره احزاب به آن اشاره شده است" [۱]

در سوره احزاب آیه ۵۹ میخوانیم: ای پیامبر به زنان خود و دختران و زنان مومن بگو روسریها و مقنعه های خود را بیچانند این جور به عفیفه بودن و شریف بودن شناخته می شوند، تا کسی معترض ایشان نشود و ایشان را آزار ندهد و خداوند امرزنده و مهربان است.

قرائتی در کتاب گناه شناسی آورده است: در قرآن با تعبیرات گوناگون از حیا سخن به میان آمده است: حیا در زبان، [۲] حیا در طرز سخن گفتن، [۳] حیا در راه رفتن، [۴] حیا در شرکت در مجالس میهمانی، [۵] حیا در نگاه کردن [۶] حیا در امور اقتصادی، [۷] حیا در ورود به منازل، [۸]

حجاب و عفاف، ریشه در فطرت

فطرت امری است که خدای متعال آن را در وجود هر فرد قرار داده و انسان بدون اکتساب، به آن میل و رغبت دارد. دستورات اسلامی منطبق بر مسیر شکوفائی فطرت بشری است و با کمی دقت بر این دستورات و احکام فطری، اهداف، آثار و نتایج عقلانی و حکمیانه آن ها نیز آشکار می گردد. بر همین اساس حجاب و پوشش اسلامی که یکی از اوامر انسان ساز الهی و یکی از احکام حیات بخش اسلام در زندگی طیبه است و منطبق بر فطرت بشر و مبتنی بر نیازها و شرایط روانی او و زمینه ساز پویائی و کمال انسانی خواهد بود و اصولاً عمل به

قوانین اسلام یک عمل اعتباری و قراردادی نیست بلکه عمل به قوانین اسلام یعنی پاسخ گوئی به نیاز فطرت است.

عفاف نیز یکی از این باورهاست. روح عفت و پروا پیشگی از بدو خلقت آدمی تاکنون برانسان حاکم بوده است. البته ممکن است شکل، اندازه و کیفیت بروز آن در دوره های مختلف متفاوت باشد، اما این خصلت همیشه بروز و ظهور داشته است. قرآن کریم در داستان آفرینش آدم و حوا از این خصلت فطری چنین یاد می کند: « فدلهما بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوء تهما وطفقا یخسفان علیهما من ورق الجنة » [۹] (شیطان) آن دورا فریفت و به پستی افکند. چون از آن درخت خوردند، شرمگاه هایشان آشکار شد و به پوشیدن خویش از برگهای بهشت پرداختند.

حیا و عفت، خصلتی انسانی است و آدمیان به حکم نهاد و آفرینش خویش بدان رغبت دارند. هنوز قوانین جهانی بر لزوم جلوگیری از کارهای خلاف عفت تاکید دارند، اگر چه رعایت آن در همه جا یکسان نیست و میزان به فعلیت رسیدن آن در افراد مختلف است.

تاریخچه حجاب و عفاف

تاریخ حجاب به آفرینش اولین موجودات روی زمین یعنی آدم و حوا بازگشت می کند و فراز و نشیب های بی شمار تاریخ، قدرت محو آن را نداشته است.

«یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً...» سوره اعراف آیه ۲۶ ای فرزندان آدم برای شما لباس فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زیست شمامست و لباس تقوی بهتر است این از آیات خدا است باشد که متذکر شده پند گیرید. این آیه بیانگر اهمیت لباس، پوشش، ستر و ساتر از نظر قرآن است. «جمله یواری سواتکم» وصف لباس است و دلالت دارد بر اینکه لباس پوشش واجب و لازمی است که کسی از آن بی نیاز نیست و آن پوشش عضوی است که برهنه بودنش، زشت و مایه رسوایی آدمی است.» [۱۰]

مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان نیست. براساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند. ویل دورانت می نویسد: «در بریتانیای قدیم والدین ثروتمند در مدت پنج سال بحران جوانی، دختران خود را در کلبه ها زندانی می نمودند. زنان سالمند پاکدامنی را به زندانبانی می گماردند، دختران حق خروج از این کلبه ها را نداشتند و تنها اقارب و نزدیکان می توانستند آنان را ببینند. بعضی از قبایل جزیره برنئو نیز عمل مشابهی داشته اند.» داستان آدم و حوا و بهره گیری آنها از شجره ممنوعه که قبلاً ذکر شد نیز دلیل همین مدعاست. بنابراین، مسئله پوشش و عفاف در همه جوامع و ملل به صورتهای گوناگون وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسئله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید.

و یا آنها را به جواهرات اصلی مانند یاقوت و مرجان تشبیه می کند که جواهر فروشان، آنها را در پوشش مخصوص قرار می دهند تا همچون جواهرات بدلی به آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرند و از قدر و ارزش آنها کاسته نشود. این جوهر لطیف را از سهل الوصول بودن مصون داشته و محدوده مطمئن تری پیرامون او قرار داده است. از آموزه های قرآنی این معنا به دست می آید که عفت و پاکدامنی، به معنای چیرگی عقل و مدیریت مهار قوای شهوانی به دست آن است. این حالت اگر به شکل ملکه ای در نفس انسانی در آید، شخص در حالتی قرار می گیرد که به سادگی تهییج نمی شود و قوای شهوانی نمی تواند سرکشی کند و او را به سوی گناه سوق دهد. به سخن دیگر، هدف آن است که آدمی در یک فرآیندی به جایی برسد که قوای نفسانی بر او حکومت نکند، بلکه عقل و آموزه های عقلانی و وحیانی بر جان او مسلط شود که همان معنای تقوا و پرهیزگاری واقعی است. در برخی از روایات آمده است برای هر چیزی مستی و سگری است. انسان ها همان گونه که با شراب دچار مستی می شوند، یا به سبب ترس از مرگ دچار این حالت می گردند. [۱۱] یا دنیا زدگی، ایشان را مست می کند [۱۲] همچنین برخی از اوقات چشمان آدمی مست می شود و همانند آدم هایی افسون شده می گردد. [۱۳] این مستی چشمان، شاید به سبب چشمان مست آفرین جنس مخالفی باشد و شاید به تار مو و زلف زنی و شانه ستبر مردی اتفاق بیفتد. از این رو باید انسان چشم، فروهشته دارد تا در دام مست آفرینان گرفتار نیاید. حجاب، مانع بازدارنده ای است که آدمی را از مست آفرینان در امان نگه می دارد. لذا به عنوان یک حکم اجتماعی اسلامی مطرح شده است.

از نظر اسلام، همان اندازه که انسان نسبت به ایمان و عمل صالح خود مکلف و موظف است همچنین نسبت به ایمان و اعمال دیگران نیز مسئولیت دارد؛ زیرا اسلام دینی اجتماعی است و حوزه های فردی آن تا حوزه های اجتماعی کشیده شده است و ایمان واقعی جز به رهایی از خود و دیگران معنا نخواهد یافت. از این رو بر هر فردی این مسئولیت نهاده شده تا با ایجاد حجاب، مانع از برانگیخته شدن شهوات جنسی دیگران شود. بنابراین حجاب برای مرد و زن یک مسئولیت است.

ضرورت عفاف

واژه عفاف در منابع لغوی به خودداری از چیزی که حلال نیست. [۱۴] یا خودداری از گفتار یا کرداری که جایز و شایسته نیست. [۱۵] تعریف شده است. راغب اصفهانی آن را حالت نفسانی می داند که به واسطه آن غلبه شهوت جلوگیری می کند. [۱۶]. در قران کریم «حالت نفسانی که از غلبه شهوت باز دارد» آمده است. به بیان قران کریم عقیف به شخصی اطلاق می شود که خود نگهدار و با مناعت باشد. [۱۷]

مطابق این معنا، عفاف در مفهوم عام خود عبارت از خویشتن داری در مقابل هر نوع تمایل افراطی نفسانی است.

[۱۸]

بر این اساس، عفاف به صنف خاصی اختصاص ندارد و برای زن و مرد یک فضیلت اخلاقی به شمار می آید. ادیان الهی نیز بر این ملکه نفسانی تأکید داشته و از پیروان خود پای بندی به آن را درخواست می کنند. با توجه به اهمیت عفاف به عنوان روح پوشش که بسترساز سلامت و پاکی جامعه است، ابتدا به بررسی جایگاه آن در اسلام می پردازیم:

در فرهنگ اسلام نیز با دقت تمام و نیز جامع نگری، مسئله عفاف مورد توجه قرار گرفته و با دستورالعمل هایی زن و مرد را به سوی این فضیلت اخلاقی فرا خوانده است. مسئله کنترل نگاه و حفظ آن یکی از این دستورات قرآنی است قرآن کریم به مردان و زنان مؤمن دستور می دهد:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ... [۱۹]

به مردان مومن بگو چشمان خویش فرو گیرند... و به زنان مومن بگو که چشمان خویش فرگیرند غض بصر در لغت به معنای کاهش دادن نگاه و خیره نشدن است. [۲۰] به عقیده برخی از مفسران خطاب قل للمؤمنین... برای زن و مرد کفایت می کرد اما به دلیل اهمیت مسئله خطاب به زنان را به طور مستقل آورد «قل للمؤمنات» تا فرمان کنترل نگاه را با تأکید بیش تری بیان کرده باشد. [۲۱] براساس آیات یاد شده مرد و زن وظیفه دارند از نگاه خیره پرهیز نمایند و با دوری از نگاه های خیره و آلوده، راه گسترش عفت را هموار سازند. رعایت عفاف در راه رفتن جنبه دیگری است که در آیات قرآن پس از آن که مرد و زن مؤمن را از نگاه های شهوت آلود نهی می کند، می فرماید:

...وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [۲۲]

و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده اند دانسته شود، ای مومنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید.

فرهنگ حاکم بر آن روزگار که منش زن جاهلی را به هنگام حضور در اجتماع ترسیم می کند، زمینه نزول آیه است. زیرا برخی از زنان عرب، خلخال به پا می کردند و برای اینکه بفهمانند خلخال به پا دارند پای خود را محکم به زمین می کوبیدند، ایه آنان را از این عمل نهی می کند. [۲۳] بر این اساس و با توجه به سیاق آیه، برخی از مفسران از این آیه یک قاعده کلی استنباط کرده اند و آن این که: نهی از پا به زمین کوبیدن، بیانگر نهی از هر چیزی است که توجه نامحرم را جلب کند و نگاه ها را برانگیزد و زمینه فساد درست کند. [۲۴]

و نیز قرآن با تأکید تمام از اینکه آهنگ و محتوای سخن زن هیجان انگیز باشد، جلو گرفته است در قرآن آمده است:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا
[۲۵]

ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید. پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد. و سخن پسندیده بگویید. این آیه گرچه خطاب به همسران پیامبر است اما دستور عامی به تمام زنان است. که گفتارشان هم به لحاظ شیوه بیان و هم به لحاظ محتوا عقیفانه باشد. محتوای سخن باید قول معروف باشد یعنی سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را بپسندد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند. [۲۶]

بنابراین در فرهنگ اسلام هر گفتاری که با ناز و عشوه همراه باشد، نمادی از بی عفتی است. محتوای کلام نیز هر گاه شهوت را برانگیزد، به دور از عفت است. گفتنی است عفاف در آموزه های اسلامی از ابعاد گسترده تری برخوردار است و ما به دلیل ضیق مجال از سایر جنبه های آن صرف نظر می کنیم.

ضرورت حجاب

واژه حجاب به معنای حائل، پرده، پنهان کردن و منع از تلاقی است. [۲۷] بنا به گفته استاد مطهری کاربرد کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است زیرا این واژه بیش تر در معنای پرده استعمال شده است [۲۸] یکی از مسائل مهم در اسلام پوشیدگی زن در برابر بیگانگان است که با عنوان حجاب مطرح می شود.

در معنی واژه حجاب در دانشنامه جهان اسلام آمده است: معنی مصدر آن پنهان کردن و منع از وارد شدن است و معنی اسمی آن پرده می باشد.

از دیدگاه اسلام حجاب به مفهوم محدود کردن فعالیت های اجتماعی زن نیست، بلکه زن می تواند با رعایت پوشش و حفظ حدود آن در جامعه حضوری فعال داشته باشد.

قرآن کریم حدود و چگونگی پوشش را در آیه ۳۱ سوره نور تبیین نموده و می فرماید:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ... [۲۹]

و به زنان مؤمن بگو چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه های خود را تا گریبان فرو گذارند و زینت های خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود و...

ابتدا به معنای واژگان کلیدی آیه مذکور به اختصار می پردازیم:

زینت: به معنای زیور که شامل زینت طبیعی (یعنی زینتی که در آفرینش فرد به کار رفته که اساس آن صورت و چهره است) و زینت اکتسابی (یعنی زیبایی که به واسطه لباس، زیورآلات و لوازم آرایشی به دست می آید) می شود. مفسران نیز واژه زینت را به معنای عام دانسته اند که شامل زینت های طبیعی و اکتسابی هر دو می شود.

[۳۰] (رک فخر رازی، بی تا، ۲۳، ۲۰۵؛ قرطبی، ۱۹۶۷، ۱۲، ۲۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵، ۱۱۱)

خمر: جمع خمار به معنای روسری و سرپوشی که زن بوسیله آن سرش را می پوشاند. [۳۱]

جیوب: جمع جیب به معنای گریبان و دور گردن است. [۳۲] یکی از صحابه در بیان معنای این واژه در آیه می گوید: زن سر و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بیوشاند. [۳۳]

دستور کلی « لا یُبدینَ زینتَهُنَّ » زن را مأمور می کند که زینت هایش را بیوشاند و اندام و زیبایی های طبیعی و اکتسابی خود را در مقابل چشمان نامحرم قرار ندهد.

چگونگی پوشش در آیه « وَ لَیْضُرُّنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ » را مفسران با توجه به فضای فرهنگی عصر نزول تفسیر کرده اند. چون در دوره جاهلی زنان روسری خود را به پشت سر می افکندند به طوری که گردن و بخشی از سینه آنها نمایان می شد، قرآن دستور می دهد که روسری را طوری به گریبان قرار دهند که گردن و سینه آنها را بیوشاند. [۳۴]

در سوره احزاب آیه ۵۹ می فرماید:

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلرِّجَالِ مِثْلَ الَّذِیْنَ هُمُ لِرِّجَالِهِمْ کَانَ عَظْمًا مِّنْ عَظْمِ الْبَنَاتِ أَمْ یَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ یَسْأَلِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلَّذِیْنَ عَلَیْهِمْ مِّنْ جَلَابِیْهِمْ ذٰلِكَ اَذُنٰی اَنْ یُّعْرَفْنَ اَمْ یُؤْذِنْنَ وَ کَانَ اللّٰهُ عَظْمًا رَّحِیْمًا

ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسبتر است تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنده مهربان است.

جلابیب: جمع جلباب به معنی جامه ای است از چادر بزرگ تر و از عبا کوچک تر که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می پوشاند. [۳۵]

گرچه مفسران در بیان معنای جلباب اختلاف نظر دارند اما جلباب، لباس بلند و گشادی است که زیبایی های اندام و زینت ها را بیوشاند و زن را از تعرض افراد بیمار دل مصون نگه دارد. [۳۶]

بر طبق این آیه، قرآن کریم فلسفه پوشش را نوعی حرمت بخشی و احترام گذاردن به زن می داند زیرا او را از نگاه های آلوده و شهوانی حفظ می کند. چون اگر زن، حدود را رعایت نکند هر بیمار دلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم وی را می شکند و هویت واقعی اش را به فراموشی می سپارد. [۳۷] از این رو قرآن می فرماید: ذلک اذنی ان یعرفن فلا یؤذین این پوشش، نزدیک تر است که زنان به حیاء و عفاف شناخته شوند و مورد اذیت ناهلان واقع نشوند.

بدین ترتیب، اسلام حکم تشریحی به جامانده از ادیان گذشته را ضابطه‌مند کرده و در قالبی متعادل و به دور از افراط و تفریط و متناسب با اقتضائات درونی زن و مرد مسئله پوشش را طراحی کرده است که نقش در کاهش آسیب اجتماعی دارد. در این جا ابتدا مختصری درباره این موضوع بحث می‌کنیم.

آسیب‌های اجتماعی

آسیب اجتماعی به نوعی عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد جمعی به صورت رسمی یا غیر رسمی مورد رعایت قرار نگیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی جامعه روبرو می‌گردد.

بنا به این تعریف، چون حجاب اسلامی در چهارچوب اخلاق دینی قرار می‌گیرد. عدم رعایت آن نوعی آسیب اجتماعی ساده تلقی می‌گردد. این آسیب خود دارای مراتب و دسته‌بندی‌های خاصی است..

با کمال تأسف، همزمان با گام نهادن بشر به سکوی فن آوری بر مغز واراده بشر، آسیب‌های اجتماعی نیز شکل تازه به خود گرفت زن که مظهر عفاف، حیا و عشق ورزی به قداست و پاکی، مام بشریت محسوب می‌شد و تداعی صفات فرشتگان در روی زمین و کانون گرم خانواده می‌نمود، به عنوان ابزاری بی مقدار در سراسیمی سقوط قرار گرفت و کرامت ذاتی اش زیر غباری از غفلت و فراموشی مدفون شد.

از آن پس، اساس ازدواجها درهم ریخت و نظام‌های دقیقی که در طول قرن‌ها زندگی آدمیان برای اداره و بقای خانواده و نیز روابط انسانی میان زن و مرد، وضع شده بود یکباره فروریخت و ارزش و اعتبار زن، در نظر مردانی که برای وصول به کعبه وجود زن، حریمی ملکوتی ساخته بودند، کاسته شد تا آنجا که آنچه از بدی، گناه، عصیان، خیانت، کم ارادتی و تجاوز به زن و مقام شامخ او بود، در حق او روا داشتند.

اختلالات عصبی روانی، طلاق، شیوع انحراف جنسی، سلب امنیت زنان، بیشترین آسیب‌های اجتماعی زنان است این دسته از آسیب‌ها اغلب با سایر آسیب‌ها در ارتباط نزدیک هستند و گاهی حتی موجب بروز مشکلات جدی می‌شوند. مثل بیماری ایدز که با انحرافات جنسی ارتباط نزدیک دارد.

مبارزه با این دسته از آسیب‌ها در برخی موارد نیازمند تغییرات اساسی اجتماعی است و لازم است تحولاتی کلی و برنامه‌ریزی‌های دقیقی جهت رفع آنها صورت گیرد و این تغییرات با ارائه آموزش‌های وسیع اجتماعی برای افراد و خانواده‌ها و رفع عوامل بنیادی امکانپذیر خواهد بود. یکی از برنامه‌ها مسأله حجاب و عفاف بوده است و خالق بشر که بر تمای اسرار و رموز آفرینش، عالم خبیر است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی انسان‌ها به خصوص زن را در عفاف و حجاب دانسته است، زیرا عفاف و حجاب تاثیر فراوانی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد آیات نورانی قرآن کریم ضرورت این حکم الهی را به نحو مطلوب تبیین کرده است،

رابطه بد حجابی با آسیب اجتماعی

ابتدا باید آسیب اجتماعی را معنا کرد. بنا به تعریف، آسیب اجتماعی به نوعی عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد جمعی به صورت رسمی یا غیر رسمی مورد رعایت قرار نگیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی جامعه روبرو می‌گردد.

بنا به این تعریف، چون حجاب اسلامی در چهارچوب اخلاق دینی قرار می‌گیرد. عدم رعایت آن نوعی آسیب اجتماعی ساده تلقی می‌گردد. حال این آسیب خود دارای مراتب و دسته‌بندی‌های خاصی است.

پیامدهای ناگوار بدحجابی بر اجتماع

طلاق و تهدید خانواده

از پی آمدهای زیان بار رعایت نکردن عفاف و حجاب، طلاق و جدایی زن و شوهر و از هم پاشیدن نظام خانواده است؛ طلاق در نظر اسلام مبعوض ترین حلال می‌باشد که تنها در صورت اختلافات حل ناشدنی ضرورت می‌یابد. معیارهایی از قبیل ایمان، آراستگی به فضایل اخلاقی و انسانی، اصالت خانوادگی و امثال اینها را برای انتخاب همسر شایسته، مقرر فرموده و حقوق و وظایفی را برای زوجین مشخص کرده است. برای طلاق نیز شرایطی معین کرده که شامل بعد از آن، هم چون رجوع و بازگشت دوباره شوهر به زندگی مشترک می‌شود، همه اینها مربوط به خانواده است. اما آنچه به اجتماع باز می‌گردد، سلامت و امنیت جامعه از هر گونه اقدامات منافی عفت و حیا است.

هوس مداری در خانواده

اساسا طلاق در اثر اختلافات عمیق زن و شوهر تحقق می‌یابد که عمدتاً از خودخواهی و هوس ناشی می‌شود. عامل بسیار موثر و سازنده در شخصیت الهی انسان، عفت عمومی، سلامت و پاکی جامعه از عوامل غفلت آفرین و هوس آلود و ناپاکی‌ها است که عمده آنها هتک حریم حجاب و پوشش عفیفانه و ضعف غیرت و عفت دختران احساس مسئولیت پدران و مادران و شوهران آنها می‌باشد که افراد جامعه را به سمت هوس‌های نفسانی سوق داده و باعث تباهی اخلاق آنان می‌گردند؛ در نتیجه حق محوری جای خود را به هوس بازی و خودخواهی می‌دهد که عامل اصلی بروز اختلافات و در نهایت طلاق است.

چشم چرانی و مقایسه با همسر

هرگاه زنان با ظاهری آراسته و بدن نما در جامعه حاضر شوند، مردان عادی با چشم چرانی و مشاهده زیبایی‌های ظاهری و مقایسه همسران خویش با این زنان ... که طبیعتاً میوه تلخ آن بی رغبتی یا کاهش محبت به همسران خود می‌باشد- زمینه بهانه جویی مردان و عیب جویی و تحقیر و بی احترامی به زنان خویش و در نتیجه بروز اختلافات، ایجاد شده و در نهایت به طلاق و جدایی کشیده می‌شود.

شهوت طلبی و لذت گرایی

ازدواج، پیوند واتحاد و مصاحبت جسمی زوجین است و این اتحاد در صورتی محقق می شود که دو روح در ابعاد والای انسانی از سنخیت و شباهت برخوردار باشند. آزادی غیر معقول زنان- که آزادی در اسارت هوا و هوس است- شعله های هوس و شهوت را در مردان بر می فروزد و لذت گرایی را در آنان رشد می دهد. لذا عده ای برای تأمین خواسته های شهوانی بی حد و مرز خود با ترفندهای گوناگون، همسران خویش را طلاق می دهند تا به خودخواهی و شهوت حیوانیشان پاسخ مثبت بدهند!

دوستی های نامشروع

حضور تحریک آمیز زنان در صحنه اجتماع، از یک سو باعث ایجاد روحیه شهوانی در مردان، در نتیجه رواج دوستی با صنف مخالف و روابط نامشروع می شود؛ به گونه ای که علاقه آنها به همسران خود کاهش می یابد و در نتیجه پایه و رکن زندگی شیرین متزلزل می گردد.

غفلت از معیارهای اصولی در گزینش همسر

خودنمایی دختران سبب انتخاب و گزینش غلط و نادرست آنان در ازدواج می گردد، و غفلت از معیارهای اصولی و سازنده در انتخاب همسر، مانع واقع بینی شده و در نتیجه پس از ازدواج و گذشت مدت زمانی متوجه شکست در ازدواج شده و به تدریج میان آنان و شوهران شان فاصله می افتد و سرانجام کارشان به طلاق کشیده می شود

فریب ظواهر آراسته

فریب ظواهر آراسته و انتقام جویی خودآرایی و نمایش جاذبه های زنانه موجب می شود جوانان مجرد، از ظواهر آراسته و آرایش شده آنها فریب خورده و شیفته آنها گردند و پس از ازدواج و چند روز و سال دریابند که همسرشان شایسته محبوبیت نبوده و در این پیوند زناشویی ناموفق بوده و دچار زیان شده اند. در این صورت عشق تبدیل به نفرت دشمنی می شود و درصدد انتقام بر می آیند و ضمن تحقیر سرزنش و عیب جویی و سوءظن به همسران خود، در نهایت آنان را طلاق می دهند.

گرایش مردان به چند همسری

از ویژگی های زنان، انحصارطلبی در معشوق و محبوب بودن است؛ اقتضای یگانه معشوقه بودن زن آن است که قلب همسرش کسی جز او را نخواهد و قلبش تنها در گرو محبت و عشق او و فرزندانش باشد و هرگز سراغ زن دیگر نرود؛ اگر چه این میل طبیعی باید تعدیل شود. زندگی تک همسری بهتر و با صفا تر است، مگر در مواقع ضروری و با رعایت شرایط خاصی بویژه شرایط عدالت که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام بر آنها تأکید شده است. اما بحث در ازدواج های غیرمنطقی و غیرضروری است که بدون تردید علت آن هوس بازی و شهوت رانی است اما نباید فراموش کرد که غالباً منشأ چنین ازدواج هایی جلوه گری و پوشش های تحریک آمیز زنان است؛ به عبارتی بد حجابی و خودنمایی زنان با تحریک پذیری و ایجاد شهوت و هوس در مردان ارتباط مستقیم

و تنگاتنگی دارد؛ امکان ندارد تحریک جنسی در جامعه باشد اما در مردان عادی جامعه که از کنترل چشم و تقوای لازم برخوردار نیستند، هوس و میل به کام جویی ایجاد نکند و همین هوس و میل هاست که در مردان تک همسر گرایش به ازدواج مجدد را پدید می آورد، زیرا چنین مردانی با دلدادگی و مجذوب شدن به جاذبه های آشکار زنان، اندک اندک به ازدواج با آنها تمایل نشان می دهند که با کاهش محبوبیت همسر قبلی ملازم و همراه است و یا چه بسا محبت او را از دل خارج نموده و تنها به همسر جدید خود می اندیشند و دل می بندند. بدیهی است کاهش محبوبیت فشارهای روحی و اختلال های روانی و جسمی را برای زن اول و فرزندان او ایجاد می کند.

ایجاد اختلال روانی و عصبی

بیماری های روحی و اختلال های روانی و عصبی ناشی از چند عامل است که ریشه عمده آن ها را باید در جامعه هوس آلود و خودنمایی زنان جست و جو کرد در این جا آنها را برمی شماریم:

الف- محرومیت از نیازهای ضروری جسمی و مادی

ب- عدم تأمین نیازهای عالی روحی

ج- انحراف از فطرت انسانی و مسیر طبیعی غریزه جنسی

د- شهوت طلبی افراطی و غیرقابل کنترل

محرومیت از نیازهای ضروری جسمی و مادی (اختلالات روانی)

عواطف انسانی در اثر گرایش به سمت بی بند و باری ها و شهوات و دنیا زدگی تضعیف گشته و در نهایت از امور انسانی والهی همانند کمک به محرومان و نیازمندان جامعه غفلت خواهد شد. اصولاً منشأ فقرها و محرومیت ها همانا نظم و بی عدالتی و نرسیدن طبقه محروم و کم درآمد به حقوق مسلم خود است که محصول عواملی از جمله غفلت طبقه مرفه از مبدأ و معاد فریب خوردن از جاذبه های دنیایی و تحریکات جنسی می باشد، لذا در زمان حکومت حضرت مهدی (ع) این نوع فقر اقتصادی رخت برمی بندد.

عدم تأمین نیازهای عالی روحی (اختلالات روانی)

همان گونه که کم توجهی به نیازهای جسمی و بدنی، سلامت بدن و چه بسا حیات طبیعی انسان را در معرض خطر قرار می دهد، بی اعتنایی به نیازها و خواسته های روحی و قوانین مربوط به روان هم سلامت روح و شخصیت را مختل کرده، حیات معنوی آن را در معرض خطر قرار می دهد، کشاندن افراد به سمت شهوات و تمایلات غیر معقول نفسانی از طریق تحریکات جنسی زنان و امثال آن، موجب بی اعتنایی و یا کم توجهی به نیازهای باطنی و روحی می شود؛ به همین دلیل بیماری خود فراموشی و از خود بیگانگی از شایع ترین بیماری های روحی است که اکثر افراد بشر دچار آن هستند و عمده اختلال ها و بیماری های روانی و مشکلات جوامع بشری ناشی از آن است.

انحراف از فطرت انسانی و مسیر طبیعی غریزه جنسی (اختلالات روانی)

به طور کلی هر حرکتی که برخلاف ساختار فطرت و طبیعت آدمی باشد، ضربه و زیان بزرگی بر گوهر شریف روح و جسم است. انحرافات جنسی نیز که عمده ترین عامل آن لاقیدی و بدحجابی است، هرکدام منشأ اختلال ها و بیماری های روانی و عوارض نامطلوب جسمی خواهد بود.

شهوته طلبی افراطی و غیر قابل کنترل (اختلالات روانی)

غریزه جنسی از نظر حرارت جسمی ظرفیت محدودی دارد، به همین دلیل غریزه جنسی با یک همسر ارضا می گردد، اما از نظر روحی ممکن است به صورت عطش نفسانی درآید و گنجایش نامحدود و ارضا نشدنی پیدا کند. این حالت غالباً به خاطر کنار زدن حریم ارزشی حجاب و معاشرت های آزاد و سهولت اطفا و ارضای شهوت از راه نامشروع به وجود می آید. و از آن جا که آرزوها و خواسته های نفسانی نامحدود در دنیای محدود محقق نمی شود لذا در اثر احساس محرومیت تعادل روحی و روانی خویش را از دست داده و گرفتار انواع بیماری ها و اختلال های روانی خواهد شد!

سلب امنیت زنان (پیامدهای ناگوار بدحجابی بر اجتماع)

امنیت جنسی، جانی و آبرویی زنان در جامعه از مهمترین نیازهای اجتماعی آنان است. این امنیت با توجه به ویژگی های خاص آنان چه از بعد جاذبه های جنسی، جسمی و رفتاری که خداوند برای تحقق و تداوم مقام معشوقه بودن در خانواده به آنان ارزانی داشته و چه از جهت ضعف جسمانی در مقایسه با مردان که آن هم ناشی از لطافت، ظرافت و جمال آنهاست از اهمیت بسیاری برخوردار است. عفاف باطنی و فطری زن، زینت گوهر روح و دژ محکم امنیتی اوست و عامل حجاب کامل و عدم اختلاط با مردان ضامن کنترل غریزه ها و میل های او و حافظ بهداشت و سلامت روانی، اخلاقی و غریزی افراد جامعه و بالاخره باعث تأمین امنیت اجتماعی زن است

شیوع انحراف جنسی (پیامدهای ناگوار بدحجابی بر اجتماع)

انسان ها - اعم از مرد و زن - در برابر غریزه جنسی به سه گروه تقسیم می شوند:

۱- کنترل و تعدیل در سایه تقوای الهی و اشباع آن از راه ازدواج؛

۲- افراط و زیاده روی و انحراف؛

۳- تفریط و بی توجهی به این میل نفسانی؛

در حقیقت این افراد به فلسفه حقیقی پوشش پی نبرده اند و دلیل حکیمانه این حکم الهی را ندانسته اند و با جهل خود مانع تحقق فلسفه حکیمانه آن در جامعه شده اند، در واقع این افراد مسئول بسیاری از اثرات بد عمل نکرد به این تدبیر حکیمانه الهی اند چراکه با ترویج بدحجابی و تمسخر و استهزاء افراد با حجاب؛ اولین نطفه

های مشکلات و ناهنجاری های اجتماع را ایجاد کرده اند و در گناه افرادی که این مشکلات را با بدحجابی و بی حجابیشان بر جامعه تحمیل می کنند سهیم و شریکند.

تأثیر حجاب و عفاف

حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم ترین فواید آن عبارتند از:

۱- مبارزه با نفس:

میل به خودنمایی و جلوه گری به مصالحی در سرشت زن، نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا بکار گرفته شود. چرا که هیچ گرایشی بدون جهت در جان انسان به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و همه جا نمود داشته باشد فساد آفرین است. اگر مردی احساس کند و یا احتمال دهد که پوشیدن مقدار واجب و لازم نمی تواند نقش بازدارندگی را ایفا کند، باید بیش از حد واجب اندام خود را بیوشاند و این یک مسئولیت اجتماعی است که به عنوان آداب پوشش مطرح می باشد. چنان که اگر زنی دید که دستان ظریف و لطیف وی نگاه ها را مجذوب می کند و یا چشمان مخمورش دل ها را به بند می کشد و مسحور می سازد، باید به آداب اسلامی پوشش، دستان خویش بیوشاند و یا چشمان را با عینک دودی و یا هر ابزار دیگری مخفی نگه دارد و این گونه حجاب را مراعات نماید و به این ترتیب بر علیه نفس مبارزه کند.

۲- حجاب و سلامت زنان در جامعه

اگر زنان محجبه باشند، امتیازات ظاهری محو گشته و اذهان متوجه علم و ادب و هنر و اخلاق ایشان می شود و دیگر تمام توان زن صرف ظاهر و زیبایی نمی گردد، بلکه وقت و توانش به چیزهایی صرف می شود که بسیار ارزشمند تر است. میوه با پوست، عمر طولانی تر دارد ولی وقتی پوست آن گرفته شد، بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت.

حجاب، هم مانند پوست میوه که محافظ سلامت و تازگی میوه است، برای زنان نیز امنیت، طراوت، زیبایی و تازگی می آورد.

- امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

حجاب زن، برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر است.

۳- ارزش و احترام زن

اسلام تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و با وقارتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود. از ایرادهایی که به پوشش زن می گیرند این است که دلیل معقول و منطقی ندارد در صورتی که جنبه هایی که در بالا ذکر شد بیانگر این مطلب است که حجاب منطقی و معقول دارد.

۴- جلوگیری از چشم چرانی در جامعه

یکی از راه های علاج چشم چرانی، عامل حجاب و پوشش و آثار مثبت حجاب و مضرات بی حجابی است که به آن می پردازیم:

یکی از مهم ترین عوامل پیشگیری از چشم چرانی و نگاه هوس انگیز حجاب زنان است. به راستی آیا اگر زنان خود را در معرض دیدگاه مردان قرار دهند کار به همین نگاه ختم می شود و هیچ فسادی مترتب بر این نوع پوشش و نگاه نمی شود؟

این همه روابط نامشروع دختران و زنان شوهردار در تمام جهان بر چه اساسی انجام می پذیرد؟ بعضی از عشق های نامقدسی که کانون خانواده ها را از هم می پاشد و حتی گاهی موجب کشتار چندین نفر بر سر یک زن شده، از کجاست؟

آیا کودکان بی صاحب، نتیجه ی خوش گذرانی های موقت زنان و مردان اغفال شده نیست؟

آیا نخستین جرقه ی این همه آتش خانمان سوز از یک نگاه ساده نبوده است؟

آیا همین نگاه ساده، هزاران زن فاحشه و هزاران کودک بی سرپرست را انگل جامعه نکرده است؟

اگر زنان اندام زیبای خود را از نگاه های مسموم می پوشانند و با قیافه تحریک کننده در جامعه ظاهر نمی شدند و خود را آلت شهوت و هوس بازی مردان نمی کردند و برای خود شخصیتی قایل بودند و از راه ازدواج مشروع به خواسته های خود جامه ی عمل می پوشانند، این اتفاقات ناگوار به بار می آمد؟! [۴۸]

۵- آرامش روانی

علت بیماری های روانی که در دنیای غرب زیاد شده، آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان است. نبود حریم میان زن و مرد، بی بندوباری و هیجانها را فزونی می بخشد و پیامد آن بیماری روانی است. به علت اثری که دیدن یک زن زیبارو در یک مرد می تواند داشته باشد به خصوص پسرهای نوجوان (حتی پیش از بلوغ) که دچار طوفان های شخصیتی و شهوانی می شوند و از آنجا که امکان ارضای این میل برایشان وجود ندارد ممکن است دچار صدمات روحی و یا خودارضایی شوند. در اینجا وجود حجاب باعث میشود که چنین طوفانهایی با تأخیر صورت گیرند و موکول به زمانی میشوند که پسرها به بلوغ فکری و جنسی رسیده اند.

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت های بی بندوبار میان زن و مرد، هیجانها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد. غریزه ی جنسی، غریزه ی نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیش تر اطاعت شود بیش تر سرکش می گردد؛ هم چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعله ورتر می گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه ی جنسی بیش تر شده است، هجوم مردم به مسئله ی سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است. این مطلب

پاسخ روشن و قاطع به افرادی است که قایلند همه‌ی گرفتاری‌هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غریزه‌ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت‌هاست؛ و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد شود، این حرص و ولعی که وجود دارد، از بین می‌رود. البته از این افراد باید پرسید؛ آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است، حرص و ولع جنسی در بین آنان فروکش کرده است یا افزایش یافته است؟!

پاسخ هر انسان واقع‌بین و منصفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل‌های جدیدتری از تمتعات و بهره‌برداری‌های جنسی در آنها رواج و رسمیت می‌یابد. یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه‌ی غرب را در مواجهه با غریزه‌ی جنسی این‌گونه توصیف کرده است: «کسانی می‌گویند مسئله‌ی غریزه‌ی جنسی و مشکل زن و حجاب در جوامع غربی حل شده است؛ آری، اگر از زن روی گرداندن و به بچه و سگ و یا هم‌جنس روی آوردن حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!!» [۳۸]

۶- تمایل جوانان به ازدواج

اگر حجاب در جامعه رعایت شود و روابط جنسی به محیط خانواده محدود گردد، جوانان نیز تمایل بیشتری به ازدواج پیدا می‌کنند و خانواده‌های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند گرفت و در نتیجه منفعت بیشتری عاید زنان خواهد شد، زیرا از محبت و حمایت مالی مردان برخوردار خواهند بود.

ولی اگر روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گردد، جوانان مشکلات ازدواج را نخواهند پذیرفت و خانواده‌های تشکیل یافته هم متزلزل می‌شود. زیرا مردان با دیدن زنان بی حجاب تحریک شده و آسیب پذیری شوند و در نتیجه کانون گرم خانوادگی به سردی می‌گراید، محبت در خانواده جای خود را به تنفر خواهد داد؛ زیرا همسر قانونی مانع روابط جنسی جدید به حساب می‌آید.

جورج کامینکسی، جامعه‌شناس معروف، عامل اصلی اختلاف (زن و شوهرها در طلاق) را روابط نامشروع می‌داند. با افزایش طلاق و فروپاشی خانواده، اعتیاد، استفاده از مشروبات، بزهکاری و فساد اخلاقی هم افزایش می‌یابد. [۴۰]

۷- نتایج حجاب در سلامت بخشی خانواده:

بدون شک جامعه‌ای از سلامت کامل برخوردار است که خانواده به عنوان جزء کوچک آن جامعه از سلامت و استحکام کامل و کافی برخوردار باشد، از این رو، اگر خواهان سلامت و تقویت بنیان جامعه هستیم، باید همه نیروهای خود را در جهت استحکام و تقویت پیوندهای خانوادگی بسیج کنیم. در جامعه‌ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است مقایسه‌ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه‌ی خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوی و هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر

دامن می زند. زنی که با بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شگفتی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد.

در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است. آری با بی حجابی روابط آزاد و نامشروع جنسی جامعه را فرا می گیرد و به همان نسبت کانون خانواده ها سست شده و آمار ازدواج کاهش می یابد و ازدواج های گذشته هم به کاهش می یابد و ازدواج های گذشته هم به جدایی و طلاق منجر می شود. بنابراین وجود خانواده سالم و مستحکم در گرو گسترش فرهنگ حجاب خواهد بود.

۸- نتایج حجاب در استحکام پیوند خانوادگی:

وجود عارضه خیانت به همسر (رابطه شوهر با زنانی غیر از هسرش)، در همه جای دنیا از عوامل از هم پاشیدگی خانواده است. جالب است که در این موارد فقط مرد محکوم می شود در حالی که در هر خیانتی زنی دیگر هم بوده که از این مرد متأهل دلبری کرده است. از آنجا که بخش عظیمی از میل جنسی مرد با چشمانش پاسخ داده می شود حکم حجاب برای زن در برابر مرد غریبه و حفظ چشم برای مرد در برابر زن غریبه خود یکی از بهترین عوامل ممانعت از اینگونه خیانت هاست.

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر و در نتیجه، استحکام بیش تر کانون خانواده و، برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده می گردد. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این گونه بیان کرده است:

در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید

زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است، و همه ی خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میان سالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده ها ایجاد می کنند. [۳۹]

بنابراین باید گفت زنی که چادر بر سر می گذارد، نه تنها اولین قدم را در حفظ کانون گرم خانواده برداشته، بلکه آبرو و شرافت مادری را بدین وسیله فراهم ساخته است و خود را از آزار و اذیت ها و نگاه هایی که همچون تیر به قلب خانواده اصابت می کند و آن را از هم می پاشد محفوظ داشته است. شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و بالعکس. آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امنیت اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از:

۹- حجاب و نقش آن در سلامت اجتماع

رعایت حجاب در سلامت و پاکی اجتماع مؤثر است، به علت تأثیر زیاد آن در استحکام خانواده بعنوان پایه و اساس اجتماع و نیز تأثیر آن در ساختن فرزندان با تربیت صحیح و پاک نگه داشتن محیط اجتماع از عوامل تحریک آمیز حیوانی.

۱۰- ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه

نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب؛ داروی درمان کننده و موجد امنیت و صفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید: «سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد.» [۴۲]

۸- حجاب و نقش آن در مسئولیت های اجتماعی

امام خمینی(ره)، در مورد نقش زنان در انقلاب اسلامی مطالب مهمی بیان کرده اند که از آن جمله خطاب به آنان چنین می فرمایند: «نقش شما زنان در این نهضت از مردها بیشتر بوده» نیز می فرمایند: «همان طور که مردها وارد میدان بودند، بانوان محترم هم وارد بودند، بلکه زحمات این ها بیشتر از مردها بود.»

۳- خروج از لشکریان دشمن و ایمنی از عذاب الهی و کسب ثواب اخروی:

شیطان از روابط زن و مرد برای به گناه انداختن، استفاده می کند لذا بدحجابی و بی حجابی و نیز عدم رعایت اصول شرعی در روابط با نامحرم، شخص را در معرض خشم خدا قرار می دهد.

۱۱- پوشش اسلامی و حفظ نسل از خطر سقوط

یکی از آثار بی‌حجابی، بی‌بند و باری و روابط نامشروع در ابعاد وسیع است چنان که در دنیای غرب، به خوبی دیده می‌شود و آثار نکبت بار روابط نامشروع برکسی پوشیده نیست.

یکی از آثار، آلوده شدن نسل و به دنبال آن سقط جنین و تولد فرزندان نامشروع و غیرقانونی است که متأسفانه بر اثر عدم رعایت عفت و پوشش اسلامی، این آثار روز به روز بیشتر می‌شود و آمار نشان می‌دهد که این موضوع در کشورهایی که پوشش اسلامی رعایت نمی‌شود به مراتب بیشتر از جاهایی است که پوشش اسلامی رعایت می‌شود.

۱۲- حفظ و استیفای نیروی کار در جامعه

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کارش کاهش می‌یابد. برخلاف نظام‌ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را با لذت‌جویی‌های جنسی درهم می‌آمیزند، [۴۳]. اسلام می‌خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت‌ها پاک گردد و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود. [۴۴]

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها دارای حجاب کاملی شامل: پیراهن بلند چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر بر روی لباس‌ها بودند. برابر متون تاریخی، در همه‌ی آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان با آن که آزادانه در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند، دارای حجاب کامل بودند و از اختلاط‌های فسادانگیز شدیداً پرهیز می‌کردند.

۱۳- مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب :

مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی علیه السلام به جنگ فرهنگی متوسل شده گفت: «أَنْتِ أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» [۴۵] «میتراسم آیین شما را دگرگون سازد و یادارین سرزمین فساد برپا نماید!»

یکی از جنبه‌های مهم تهاجم فرهنگی غربی‌ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امنیت اجتماعی بوده و هست و این امر مشخصاً از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که تحت عنوان متحدالشکل شدن، با حجاب به مبارزه برخاستند و پوشیدن لباس روحانیت را قدغن، و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام را نیز ممنوع کردند [۴۶].

آنها همچنین به عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتذال را ترویج دادند و حجاب را مانع اصلی این آزادی حقیقی معرفی کردند و امنیت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختند. حفظ حجاب و امنیت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند:

- باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردند.

- جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیت های هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می شوند.

- حفظ حجاب نه تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسؤولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می نماید. [۴۷]

۱۴- فایده ی اقتصادی حجاب

رعایت حجاب و پوشش اسلامی، نه تنها مانع حضور زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی نمی باشد بلکه بر عکس، تشریح حکم حجاب از سوی شارع مقدس، در حقیقت مجوز حضور زنان در صحنه های اجتماعی به حساب می آید، والا نشستن در منزل و ماندن در کنار اعضای خانواده، رعایت نوع حجاب مورد نظر را نمی خواهد تا درباره آن حکمی صادر شود لذا صدور حکم پوشش اسلامی از سوی شارع مقدس بهترین دلیل بر این مطلب است که دین مبین اسلام نه تنها با فعالیت های اجتماعی و فرهنگی زنان مخالف نیست بلکه خود زمینه حضور آنان را در فعالیت های اجتماعی فراهم کرده است.

منتهی شرط حضور در اجتماع و فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به خصوص برای قشر خانم ها، ایجاد امنیت لازم در جامعه خواهد بود و از جمله عوامل بسیار مهم و اساسی که در جهت آرامش و آسایش فرد و خانواده و امنیت در اجتماع، نقش ایفاد می کند، داشتن حجب و حیا، رعایت اصول و ارزش های دینی و مذهبی از جمله رعایت حجاب و پوشش اسلامی توسط زنان و مردان مؤمن و متدین خواهد بود. اگر به آیات شریفه قرآن کریم و احادیث معصومین در ارتباط با پوشش اسلامی دقت کرده و اشارت ظریف و لطیف آن، مورد ارزیابی قرارگیرد. این اصل و استنباط به دست خواهد آمد که حجاب، محدودیت نیست بلکه مصونیت است. مصونیتی که فرآیند و محصول مبارک آن، سلامت، بهداشت و آرامش افراد خانواده ها و امنیت در جامعه خواهد بود.

قرآن کریم، زنان و مردان مؤمن را مورد خطاب قرار داده و به آنان دستور می دهد: «چشم چرانی نکنید، دامن های خود را آلوده نساخته و حفظش کنید». [۴۹] به زنان تأکید بیشتری نموده می گوید: «حجاب و پوشش اسلامی را رعایت کرده، زینت های خود را آشکار نسازید... و در نشست و برخاست هم به گونه ای عمل نمائید که متوجه زیورآلات شما نشوند». [۵۰] و در صحبت ها و مکالمات روزمره نیز با ناز و کرشمه، صحبت نکرده،

ادا و اطوار زنانه که آتش شهوت را شعله ور سازد، از خود نشان ندهند.» [۵۱] «و مانند زنان نیمه عریان دوران جاهلیت، تبرج نکرده و با خودنمایی و خودآرایی و لباس های نازک و بدن نما [۵۲] از خانه خارج نشوید» [۵۳] همه این دستورات برای آن است که رعایت آن، علاوه بر اسقاط تکلیف و امتثال اوامر الهی، سلامت و بهداشت روحی و روانی و آرامش و امنیت فردی و اجتماعی را به دنبال دارد و تخلف و سرپیچی از آن، یعنی چشم چرانی، آلوده کردن دامن، آشکار ساختن زینت و زیورآلات، صحبت کردن با ناز و کرشمه و لهجه های مخصوص و مهیج و پوشیدن لباس های نازک و بدن نما، هر کدام به نوبه خود، باعث فساد، عیاشی، تجاوزگری و اضطراب و ناامنی می شود و جامعه را به هرج و مرج می کشاند. در احادیث نورانی که از معصومین نقل شده است، نگاه کردن به نامحرم و چشم چرانی، به عنوان تیر زهرآلود شیطانی، معرفی شده است، لذا امام صادق (ع) می فرماید: «نگاه (و چشم چرانی) تیری از تیرهای مسموم شیطان است.» [۵۴] در حدیث دیگری بازهم از امام صادق (ع) می خوانیم «نگاه کردن تیر زهرآلودی از ناحیه شیطان است چه بسیار نگاه هایی که بعدها، حسرت و تأسف طولانی را به دنبال خواهد داشت.» [۵۵]

امام علی (ع) نیز می فرماید: «کسی که نگاهی را رها سازد، حسرت و تأسف او زیاد می شود» [۵۶] در جای دیگری می فرماید: «چه بسیار نگاه هایی که آه و حسرت به دنبال دارد.» [۵۷] و در جملات دیگری آن امام همام می فرماید: «نگاه و چشم چرانی، پیشاهنگ تمام فتنه هاست» [۵۸] «چشم ها دام های شیطان هستند.» [۵۹] و «چشم راهبر دل است» [۶۰]

نتیجه

با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان (بویژه بانوان در زمینه حفظ حجاب) جامعه از بسیاری از خطرات حفظ خواهد شد و مهمتر از همه این که با حفظ حجاب کیان خانواده که اصلی ترین نهاد اجتماع است در معرض خطر قرار نمی گیرد.

برای رسیدن به این منظور باید فرهنگ حجاب در جامعه گسترش پیدا کند، و در این امر دولت، خود مردم، رسانه های گروهی می توانند نقش مؤثری بر ترویج حجاب داشته باشند، که در صورت تحقق این موضوع جامعه از خطرات حفظ و آسیب های اجتماعی کاهش می یابد.

پیشنهادهای

برای بهبود آسیب اجتماعی توصیه می شود :

- توسعه فرهنگ عفاف در اقشار گوناگون جامعه و تربیت و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز دستگاه های دولتی و مراکز آموزشی و تجاری؛

- توجه به حفظ حدود و شعائر، اهتمام به ارزش ها در ادارات و ارگان ها به ویژه در حوزه مدیران؛

- نظارت موثر بر فیلم های سینمایی و تلویزیونی به منظور پرهیز از تبلیغ و ترویج روابط ناصحیح اجتماعی و از طرفی توسعه فرهنگ عفاف؛
- اعمال شیوه های تربیتی موثر مبتنی بر شناخت صحیح از افراد و محیط در محیط های آموزشی وابسته به آموزش و پرورش و آموزش عالی؛
- انجام وظایف ضابطان و نهادهای نظارتی به شکل صحیح در رویارویی با مفاسد و ناهنجاریهای اجتماعی؛
- تأکید بر حفظ حدود ظاهری حجاب و استفاده نکردن از مدل ها و رنگ های نامناسب در اماکن عمومی؛
- پرهیز از ترویج لباسهای نامناسب، استفاده از مدل های مبتذل و نمایش مظاهر غربزدگی در فیلم های سینمایی و برنامه های تلویزیونی.

پی نوشت

- [۱] دانشنامه جهان اسلام.
- [۲] سوره انعام آیه ۱۰۸،
- [۳] سوره احزاب آیه ۳۲.
- [۴] سوره قصص آیه ۲۵.
- [۵] سوره احزاب آیه ۵۳.
- [۶] سوره نور ۳۰ و ۳۱.
- [۷] سوره بقره آیه ۲۷۳،
- [۸] سوره نور ۵۸ و ۵۹.
- [۹] مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ص ۱۸۱-۱۸۰.
- [۱۰] سوره اعراف آیه ۲۶.
- [۱۱] سوره ق، آیه ۱۹.
- [۱۲] سوره حجر، آیه ۷۲.
- [۱۳] سوره حجر، آیه ۱۵.
- [۱۴] (فراهیدی، ۱۴۰۵، ۱، ۹۳).
- [۱۵] (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹، ۲۵۳).
- [۱۶] (راغب، ۱۴۱۲، ۵۷۳).

- [۱۷] لسان العرب - ج ۹ - ص ۲۹۰ - اقرب الموارد - ج ۲ - ص ۸۰۳ - معجم الوسیط - ص ۶۱۱ -
- [۱۸] (رک قاضی زاده، ۱۳۸۶، ش ۳۶، ۹۲).
- [۱۹] سوره نور آیه ۳۰ - ۳۱.
- [۲۰] (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۷، ۲۳۵).
- [۲۱] (قرطبی، ۱۹۶۷، ۱۲، ۲۲۶؛ زحیلی، بی تا، ۱۸، ۲۱۵).
- [۲۲] سوره نور، آیه ۳۱.
- [۲۳] (قاسمی، ۱۳۹۸، ۱۲، ۱۹۹).
- [۲۴] (جوادی، فاضل، بی تا، ۳، ۲۸۸).
- [۲۵] سوره احزاب آیه: ۳۲.
- [۲۶] (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶، ۳۰۹).
- [۲۷] (فراهیدی، ۱۴۰۵، ۳، ۸۶؛ طریحی، ۱۳۹۵، ۲، ۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱، ۲۹۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۲، ۱۶۷).
- [۲۸] (رک مطهری، ۱۳۷۶، ۷۴ و ۷۸).
- [۲۹] سوره نور آیه: ۳۱.
- [۳۰] (رک فخر رازی، بی تا، ۲۳، ۲۰۵؛ قرطبی، ۱۹۶۷، ۱۲، ۲۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵، ۱۱۱).
- [۳۱] (رک طریحی، ۱۳۸۱، ۳، ۲۹۲؛ فیومی، ۱۹۲۸، ۱، ۲۱۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳، ۱۲۹).
- [۳۲] (زبیدی، ۱۳۸۶، ۲، ۲۱۰؛ فیومی، ۱۹۲۸، ۱، ۱۱۵).
- [۳۳] (طبرسی، ۱۴۱۵، ۷، ۲۴۲).
- [۳۴] (رک صابونی، ۱۴۰۷، ۲، ۱۴۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۳، ۲۳۱؛ قرطبی، ۱۹۶۷، ۱۲، ۲۳۰).
- [۳۵] (فراهیدی، ۱۴۰۵، ۶، ۱۳۲؛ طریحی، ۱۳۹۵، ۲، ۲۳).
- [۳۶] (زحیلی، بی تا، ۲۲، ۱۰۸؛ طیب، بی تا، ۱۰، ۵۲۷).
- [۳۷] (رک فتاحی زاده، ۱۳۸۸، ۷۹-۸۰).
- [۳۸] (صبوری اردوباری، ۱۳۶۶، ص ۳۰۲).
- [۳۹] (حداد عادل، ۱۳۶۸، ص ۶۹-۷۰).
- [۴۰] فلسفه ی حجاب، استاد مطهری، ص ۴۲ حجاب.
- [۴۲] (صبور اردوباری، ۱۳۶۶، ص ۲۱۹).

- [۴۳] (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۹۴ - ۸۴).
- [۴۴] - قره العین «درآمدی بر تاریخ بی حجابی در ایران»، ص ۴۰، سینا واحد، مؤسسه انتشاراتی نور.
- [۴۵] (سوره مؤمن، آیه ۲۶).
- [۴۶] (هاشمی رفسنجانی، انقلاب یا بعثت جدید، ص ۱۷).
- [۴۷] (دهقان، ص ۱۸۲ - ۱۸۰).
- [۴۸] (اردوباری، ۱۳۶۶، ص ۲۲۲).
- [۴۹] - برداشت آزاد، از آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور ترجمه آزاد.
- [۵۰] - سوره نور آیه ۳۱.
- [۵۱] - سوره احزاب آیه ۳۲، ترجمه آزاد.
- [۵۲] - محاسن التأویل، ج ۱۳، ص ۳۴۹، محمد جمال الدین قاسمی، یکی از معانی تبرج را لباس نازک، ذکر کرده است.
- [۵۳] - سوره، احزاب آیه ۳۳ ترجمه آزاد.
- [۵۴] - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲.
- [۵۵] - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.
- [۵۶] - غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۱۹۵.
- [۵۷] - همان، ج ۴، ص ۵۴۹.
- [۵۷] - همان، ج ۱، ص ۲۶۲ «الحظ راید الفتن».
- [۵۸] - همان، ج ۱، ص ۳۳۵ «العیون مصائد الشیطان».
- [۵۹] - همان، ج ۱، ص ۱۰۰ «العين برید القلب».
- [۶۰] - غررالحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۴۴۹.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۱.
۱. عهد عتیق، انجمن پخش کتب مقدس، لندن، ۱۹۹۲.
۲. عهد جدید، انجمن پخش کتب مقدس، نیویورک، ۱۹۹۴.
۳. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
۴. جواد، فاضل، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تهران، المکتبه المرتضویه، بی تا.

۵. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، نشر سروش، ۱۳۷۴.
۶. حکیم الهی، زن و آزادی و ضرب المثل‌های ملل راجع به زنان، تهران، چاپخانه فردوسی، ۱۳۴۲.
۷. حویزی، عبدعلی، نورالثقلین، قم، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۸. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، مترجم امیرحسین آریانپور و ...، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۹. رازی، احمد، مقایس اللغه، مصر، مطبعه مصطفی البابي الحلبي، ۱۳۸۹ق.
۱۰. رازی، امام فخر، التفسیر الکبیر، قم، نشر دانش اسلامی، بی تا.
۱۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲.
۱۲. زبیدی، محمدمر تضي، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالهدایه، ۱۳۸۶ق.
۱۳. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر، دمشق، دارالفکر، بی تا.
۱۴. زمخشری، محمود، الکشاف فی حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالعلم العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۵. صابونی، محمدعلی، روائع البیان، بیروت، مؤسسه مناهل العرفان، ۱۴۰۷ق.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۴۱۵.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۹۵ق.
۱۹. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، بی تا.
۲۰. فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
۲۲. فیومی، احمد، مصباح المنیر، قاهره، مطبعه الامیدیه، ۱۹۲۸م.
۲۳. قاسمی، جمال الدین، محاسن التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق.
۲۴. قاضی زاده، کاظم، عفاف در آیات قرآن و نگاهی به روایات، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
۲۵. قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۶۷م.
۲۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، بیروت، دارالمرتضی، بی تا.
۲۷. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، مترجم امیر فریدون گرگانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
۲۸. ماضی، محمد، سیاست و دیانت در اسرائیل، مترجم غلامرضا تهامی، تهران، انتشارات سنا، ۱۳۸۱.

۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۳۱. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۳۲. موسوی، زهره سادات، عفاف و حجاب در ادیان الهی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
- ۷سایت حوزه علمیه قم
- ۷خبرگزاری مهر
- ۷مقاله ای از حوزه علمیه عبدالعظیم